

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل پانزدهم :

راز اعتراف و شفای مریضان

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

۷۷۵	فصل پانزدهم: راز اعتراف و شفای مریضان
۷۷۵	۱. راز توبه
۷۷۵	الف. توبه در عهد عتیق
۷۷۸	ب. توبه در عهد جدید
۷۸۲	ج. راز توبه و آشتی
۷۸۵	د. اشکالات ، انتقادات
۷۸۸	ه. خلاصه ای از تعلیمات رسمی کلیسا
۷۹۱	و. در نتیجه، چند نصیحت
۷۹۵	۲. راز تدهین بیماران
۷۹۷	۳. راز مسح بیماران

فصل پانزدهم

راز اعتراف و شفای مریضان

ای همیشه حاجت ما را پناه بار دیگر ما غلط کردیم راه

(مثنوی، دفتر اول، ۶۰)

۱- راز توبه

قطع فعالیت سر یا قلب، خطرناک ترین امراضی هستند که عارض می گردند. برای مثال چنان چه تحریکات عصبی به مغز نرسد مغز فلج خواهد شد و همین طور اگر خونی که از قلب خارج می شود در عضو جریان نیابد عضو دچار قانقاریا می گردد. به همین ترتیب نیز هرگاه عضوی از بدن مسیح اراده ی خداوند خود را درک نکند نمی داند دست به چه کاری بزند و چگونه رفتار نماید. به عبارت دیگر زندگی برایش عاری از معنا می گردد و چنان چه جریان زندگی و محبت را از روح القدس دریافت ننماید رو به فساد نهاده، شخصیتش متلاشی گردیده و زندگی به جنون می انجامد. این قطع رابطه، بین انسان و خدا، گناه نامیده می شود. دارو و درمان آن از جانب مسیح می آید که «طیب روح و جسم ماست» یعنی هنگامی که دست شفا بخش مسیح به نیروی روح القدس و راز کلیسا بر روی انسانی که به سوی وی برگشته و از پدر طلب بخشش می نماید قرار گیرد شخص گناهکار بخشیده شده، شفا یافته و دوباره در حیات مسیح داخل می شود: این است راز توبه.

الف - توبه در عهد عتیق

حق تعالی عادل است و عادلان کی کند استمگری بر بی دلان

(مثنوی، دفتر اول، ۲۳۵۴)

- گناه داود پادشاه (۲- سمو ۱۱، ۱۲: ۱-۲۵)

در سال ۱۰۱۰ قبل از میلاد، داوود که چند سال قبل از آن تدهین را از دست سموئیل نبی دریافت نموده بود پادشاه تمام یهودیان گردید. او که در آن موقع سی ساله بود چهل سال سلطنت نمود (۲- سمو ۵: ۴) و اورشلیم را که به شهر «داوود» معروف شد فتح کرد. خداوند، داوود را که در جنگ های بسیار فاتح شده بود از هرگونه بلا مصون می داشت. داوود طی جنگ با بنی عمون، یوآب را برای

فرماندهی لشکرش فرستاد و خود در اورشلیم ماند. و واقع شد در وقت عصر که داوود از بسترش برخاسته بر پشت بام قصر به گردش مشغول بود. «از آن جا زنی را دید که خویشتن را شست و شومی کند و آن زن بسیار نیکو منظر بود» (۲- سمو ۱: ۲) داوود منقلب شده درباره ی زن پرس و جو نمود: «آیا این بتشبع، دختر الیعام زن اوریای حتی است که همراه یوآب به جنگ رفته است؟».

داوود بتشبع را گرفت و با او همبستر شد و شوهر وی را از بین برد. پس خداوند ناتان نبی را نزد داوود فرستاد. ناتان به حضور پادشاه رسیده به وی گفت: «در شهری دو مرد بودند، یکی دولتمند و دیگری فقیر. و دولتمند را گوسفند و گاو بی نهایت بسیار بود. و فقیر را جز یک ماده بره کوچک نبود که آن را خریده، و پرورش داده همراه وی و پسرانش بزرگ می شد، از خوراک وی می خورد و از کاسه او می نوشید و در آغوشش می خوابید و برایش مثل دخترش می بود. و مسافری نزد آن دولتمند آمد و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بگیرد تا به جهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد، و بره ی آن مرد فقیر را گرفته برای آن مرد که نزد وی آمده بود مهیا ساخت». با شنیدن این داستان خشم داوود برافروخته شده به ناتان گفت: «به حیات خداوند قسم، کسی که این کار را کرده مستوجب قتل است و چون که این کار را کرده و هیچ ترحم ننموده، بره را چهار چندان باید باز پس دهد» ناتان جواب داد: «آن مرد تو هستی، و خداوند، خدای قوم اسرائیل به تو بسیار داده است پس چرا حکم خداوند را نشنیدی و در حضور وی بدی به عمل آوردی و اوریای حتی را به شمشیر بنی عمون به قتل رساندی و زن او را گرفتی تا زن تو باشد. پس حال شمشیر از خانه ی تو هرگز دور نخواهد شد». داوود به ناتان گفت: «به خداوند گناه کرده ام».

- توبه ی داود

داود توبه ی خود را در مزمور ۵۱ که به طور رایج مزمور «رحم» نامیده می شود بیان می کند زیرا قسمتی از آیه ی اول آن شامل کلمات «بر من رحم فرما» می باشد و امروزه نیز کلیسا به وسیله ی همین مزمور توبه ی گناهکاران را بیان می کند و برای ما نیز هنگامی که می خواهیم خدا ما را ببخشد سرودن این مزمور بسیار پسندیده است:

«در محبت خود ای خدای من، بر من رحم کن،
با رحمت بی پایانت، گناه مرا پاک ساز:
خطاهایم را بشوی،
و از گناه، ای خداوند، طاهرم کن.
زیرا، من گناه خود را می شناسم
و خطایم همواره در برابر من است.
به تو و تنها به تو گناه ورزیدم،
آن چه در نظر تو بد بود همان را انجام دادم.»

تا بتوانی به سخن آمده عدالت خویش را نشان دهی
 و داوری نموده، پیروزی خود را آشکار سازی.
 من پلید به دنیا آمده ام،
 از رحم مادر گناهکار بودم.
 اما تو، در ژرفای وجودم خواستار حقیقتی.
 و در نهان، حکمت را به من می آموزی،
 مرا با زوفا پاک کن تا پاک شوم،
 مرا بشوی تا از برف سفیدتر گردم.

بگذار آواز جشن را بشنوم
 تا استخوان هایی که تو می کوبیدی، پایکوبی کنند.
 از خطاهایم روی خود را برگردان،
 شرارت را در قلبم محو کن.

ای خدای من، در من دلی پاک بیافرین،
 در درونم روحی تازه استوار ساز،
 مرا از حضور خود دور مکن،
 روح قدوست را از من باز مگیر،

شادی نجاتم را به من بازگردان
 و بگذار روح بخشنده ی تو، حامی من باشد.
 را تو را به گناهکاران خواهم آموخت
 و گم گشته گان را سوی تو باز خواهم گرداند.

از قصاص خون ریخته مرا آزاد کن، ای خدا، خدای نجات من؛
 و زبانم عدالت ترا اعلام خواهد کرد.
 ای خداوند لب هایم را بگشا،
 تا دهانم سپاس ترا بسراید.
 اگر قربانی تقدیم کنم، تو نمی پذیری
 قربانی سوختنی را نیز رد می کنی.
 قربانی مقبول خدا،
 روح افسرده و قلب شکسته و خرد شده است.
 خداوندا، تو آن را می پذیری.

به صهیون خوشبختی ده،

دیوارهای اورشلیم را دیگر بار برافراز.
آن گاه قربانی های راستین،
تقدیمی ها و قربانی های سوختنی را خواهی پذیرفت،
آن گاه، گاوهای وحشی را بر قربانگاه تو تقدیم خواهند نمود».

- بخشیده شدن داوود

ناتان به داوود گفت: «خداوند از گناه تو گذشت کرده است، تو نخواهی مرد. لیکن چون با این امر خداوند را توهین نموده ای... پسری که برای تو زاییده شده است، البته خواهد مرد» و طفل حقیقتاً در روز هفتم مرد. «داوود، زن خود بَشَبَع را تسلی داد. او پسری زاییده و او را سلیمان نام نهاد و خداوند او را دوست داشت» و بدین ترتیب، سلیمان پادشاه بزرگ به دنیا آمد.

ب - توبه در عهد جدید

هم دعا از تو اجابت هم ز تو ایمنی از تو مهایت هم ز تو

(منتوی، دفتر دوم، ۶۹۲)

- پسر گمشده (لوقا: ۱۵-۱۱-۳۲)

شخصی را دو پسر بود. روزی پسر کوچک خواست خانه ی پدری را ترک نماید، پس ارث و اموالی را که باید به او برسد از پدر طلب نمود. پدر سهم وی را به او داد و پسر به مملکتی دوردست کوچ کرد و چون ثروتمند بود دوستان کاذب و طماع به دور او جمع شده تا اتلاف کامل ثروت که در معیّت آنها و زنان بدکاره عملی شد ترکش نکردند. درست در همان زمان که ورشکسته شده بود، قحطی سختی در آن دیار حادث گردید. او برای زنده ماندن به خدمت یکی از اهالی آن ملک برای چرانیدن خوک ها درآمد و با خوک ها هم غذا بود. اینک او که به نهایت بیچارگی رسیده بود شعور خود را بازیافت یعنی «به خود آمد» و به یاد آورد که در منزل پدرش که مزدورانش سرنوشت به مراتب بهتری از سرنوشت کنونی وی دارند، زیرا سیر می توانست بخورد. پس همه چیز را پشت سر گذاشته به نزد پدر رفت تا از او درخواست نماید که وی را چون یکی از مزدوران خود به خدمت بگیرد. پدر از دور او را دیده به استقبال وی شتافت. پسر فریاد برآورد: «ای پدر علیه آسمان و به حضور تو گناه کرده ام» قبل از آن که جمله اش به اتمام رسد پدر وی را در آغوش فشرد و او را باز به فرزندگی پذیرفت. پدر، سرشار از شادی به غلامان دستور داد که سفره ی ضیافت چیده، گوساله ی پرواری را ذبح نمایند. اما پسر بزرگ که از مزرعه بر می گشت صدای ساز و رقص را شنیده، علت آن را پرسید و پس از آگاهی از بازگشت برادر و لگزدش به خشم آمده، این ضیافت را غیرعادلانه یافت چون او که با کمال وفاداری به پدر خود خدمت کرده بود هرگز چنین ضیافتی را برای خود ندیده بود. پدر به وی

گفت: «ای فرزند تو همیشه با من هستی و آن چه از آن من است مال تو است ولی می بایست شادمانی کرد و مسرور شد زیرا که این برادر تو مرده بود زنده گشت و گم شده بود و یافت شد».

جوان: چرا پسر کوچک را پسر ولخرج می نامند؟

پیر: ولخرج به کسی گفته می شود که مال خود را با بی توجهی کامل اسراف و اتلاف نماید. این کلمه در زبان های دیگر «عیاش» و «خوشگذران» و غیره ترجمه شده ولی معنای همه ی آنها یکی است و موضوع آنها پسر گمشده است. اما به نظر می آید که این مثل را به عنوان پدر پرمحبت و بخشاینده بنامیم.

جوان: نتیجه ای که از این مثل می گیریم و نیز معنای آن چیست؟



پیر: معانی این مثل بسیار و در حقیقت بی پایان است اما نتیجه ی این مثل این است که اگر خوب به خاطر داشته باشی در آغاز این کتاب در مورد پیدایش و آفرینش انسان یعنی «آدم» و درباره ی هبوط وی و فاجعه آمیز بودن آن صحبت شد. تعلیم مثل پسر گمشده عیناً همانند تعلیم فاجعه ی هبوط آدم است، فقط مسیح بر ضیافتی که بعد از توبه ی پسر گمشده برپا می شود تأکید می نماید. پسر من این مثل را بدان و آن را به خاطر بسیار امکان دارد به آن

احتیاج پیدا کنی زیرا داستان پسر گمشده، داستان همه ی انسان ها از همان آغاز آفرینش است. می دانی ما این چنین آفریده شده ایم که فقط قدر آن چیزی را می شناسیم که فاقد آن هستیم، فی المثل پسری که دارای پدر و مادر بوده و به خوشی زندگی می کند سعادت خود را درک نمی کند و فقط زمانی که آن را از دست دهد متوجه آن می شود. این را به تو می گویم زیرا من هم مانند دیگران، پسر گمشده ای هستم که هنوز به نزد پدر خود یعنی پدر همه ی ما مراجعت نکرده ام و فقط او را به طور ناقص می بینم که نشانه هایی به من می نمایاند چرا که بینش کاملی از او ندارم.

جوان: چرا خود را پسر گمشده می نامی؟ تو به نظر من چنین نمی آیی!

پیر: چرا، زمانی به که دنیا می آیم دنیا ما را به سوی خود جلب می کند؟ وقتی که رشد می کنیم بوی خوش سرکشی که از دنیا برمی خیزد اغلب ما را به دوران می اندازد، ما تشنه ی شناختن این دنیا هستیم و با وجود این که به خدا محبت می ورزیم وی را ترک می گوئیم، ما دور می شویم و به تدریج در میان گردبادی که ما را احاطه می کند کسی را که بالاتر از همه چیز ما را دوست می دارد و کسی را که بیش از همه به ما نزدیکتر بوده و در درون ما قرار دارد به فراموشی می سپاریم. می بینی که وعده ی چه پذیرایی به ما داده شده. پس مجازات کجاست؟ ما آن را دور از او تحمل کرده و از قبل خود را مجازات نموده ایم! چه جواب ها و چه جشن هایی را با کوچک ترین حرکات خود دریافت می داریم! زمانی که او ما را از دور می بیند، حتا به قیمت نارضایی پسر بزرگ تر ما را به سوی خود جلب می نماید.



جوان: اما به عقیده ی من حق به جانب پسر بزرگ تر بوده است.
 پیر: به پسر بزرگ تر اعتماد نکن: او حسود است و بی طمع نیست زیرا برای شایستگی تخیلی خود در انتظار پاداش می باشد. به او اعتماد نکن زیرا ما نیز حتا اگر ظاهراً خانه ی پدر خود را ترک نماییم ممکن است وجه تشابهی با او داشته باشیم. پسر بزرگ تر هرگز روی خود را بر بخشندگی و گذشت پدر نگشوده ولی با این حال: «خدا محبت است» و «محبت در همه چیز صبر می کند و همه را باور می کند و در همه حال امیدوار می باشد و هر چیز را متحمل می شود» (۱- قرن ۱۳: ۷).

- شفای شخص مفلوج در کفرناحوم

روزی عیسا در خانه ای مشغول تعلیم بود، در میان حاضران بسیار، فریسیان (اعضای یکی از فرقه های یهودی که با پیروی مو به مو و دقیق قوانین شریعت موسا، مشخص بودند) و کاتبان (عالمان شریعت) یعنی اشخاص دانشمند، مغرور و غالباً ریاکار هم حضور داشتند که بیشتر تمایل به دفاع از جزئیات شریعت داشتند تا قبول مژده ی ملکوت خدا و فیض و نعمت او. چون همیشه هنگامی که عیسا به سخن گفتن مشغول بود جماعت برای شنیدن کلام و شفا یافتن از بیماری های خود چنان ازدحام کرده بودند که بیرون در نیز گنجایش نداشت. ناگاه چهار نفر، که شخص مفلوجی را بر تخت حمل میکردند ظاهر شدند. آنها سعی کردند برای قرار دادن شخص مفلوج در مقابل عیسا از در وارد شوند ولی موفق نشدند تا راه را برای خود باز کنند. با وجود این دلسرد نشده به پشت بام خانه رفته، سفال های آن (سقف) را برداشته موفق شدند از شکافی که بدین ترتیب به وجود آمد تخت را در میان جمعیت در جلو عیسا قرار دهند. خانه های آن ناحیه از مصالحی بسیار سبک ساخته شده و تخت هایشان شبیه تخت سفری و به آسانی قابل حمل بود.

انجیل به دنبال این روایت چنین اضافه می نماید: «عیسا چون ایمان ایشان را دید به مفلوج گفت: ای فرزند، گناهان تو بخشیده شد» (لوقا: ۱۷-۲۶؛ مت: ۹-۱۰؛ مر: ۱-۱۲) یا به عبارت دیگر گناهان تو بخشوده شده اند. ملاحظه کنید که عیسا نمی گوید: «سلامتی خود را بازیاب» بلکه میگوید: «گناهان تو بخشیده شد» زیرا عیسا انسان را کلاً شفا می بخشد. قدرت او در عین حال هم بخشش است و هم شفای همه ی دردها و این دو از هم جدا نمی باشند.

عیسا با در نظر گرفتن این که کاتبان و فریسیان می توانستند چنین افکاری را به خود راه دهند: «این شخص چه کسی است... غیر از خدای واحد کیست که بتواند گناهان را بیمارزد؟» به آنها گفت: «کدام سهل تر است گفتن این که گناهان تو آمرزیده شد یا گفتن این که برخیز و بستر خود را برداشته بخرام؟ لیکن تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست مفلوج را گفت: تو را می گویم برخیز و بستر خود را برداشته به خانه خود برو». «او برخاست و بی تأمل بستر خود را برداشته و پیش روی همه تمجیدکنان روانه شد».

علاوه بر شفای شخص مفلوج و درسی که فریسیان آموختند، نکته ی دیگری از این روایت نیز باید تصریح شود و آن این است که اشخاصی که آن همه به خود زحمت داده و مبتکرانه تخت را از میان سقف تا پیش پای سرور خود پایین آوردند از یاد برده نشده اند چون در انجیل می خوانیم که عیسا با دیدن ایمان ایشان، دوست آن ها را بخشید و شفا داد.

وقتی که ما در دعا چیزی را برای خود یا دیگران از خداوند درخواست می نماییم متقابلاً از ما خواسته می شود که در آن امر فعالانه شرکت جوییم به این ترتیب که گرچه ایمان را باید در بالاترین درجه اهمیت و قبل از هر چیز قرار دهیم اما در ضمن شجاعانه با تنبلی و خودخواهی خود مبارزه نماییم. دوستان شخص مفلوج تمام جدیت و زکات و اعتماد خود را در خدمت مریضی که قادر به حرکت نبود به کار بستند. آنها هم چنین اعتماد و محبت به خدا و محبت نسبت به هم نوع را به اثبات رسانیدند و این همان چیزی است که از ما خواسته می شود.

می توان پیش بینی نمود که این افراد و شخص مفلوج بعد از معجزه ی شفا یافتن عمیقاً دگرگون شدند یعنی به اشخاصی جدید با این احساس که مورد عفو، شفا و محبت واقع شده اند تبدیل گشتند. آنها می بایستی فهمیده باشند که آموزش گناهان که حتا بر شفای دردهای جسمی مقدم است از اولین نیازهای انسان می باشد و از طریق توبه است که خدا این آموزش را به آنها اعطا خواهد کرد.

«تا بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست مفلوج را گفت: تو را می گویم برخیز و بستر خود را برداشته و به خانه خود برو». این جمله، جمله ی کلیدی این روایت انجیل است، یعنی عیسا با شفا دادن بیمار از بیماری مرئی یعنی فلج تمامی بدن، می خواهد به ما نشان دهد که قبلاً او را از بیماری عمیق تری به نام گناه که ریشه در وجود انسان داشته و در نقطه ی پیوند انسان و خدا قرار گرفته شفا بخشیده است زیرا قبل از هر چیز به وی گفته بود: «گناهان تو آمرزیده شد». به این ترتیب است که پسر خدا که پسر انسان گشته، گناهان را می بخشد و بهای این قدرت را از خون گران بهای خود بر صلیب می پردازد چون او در حقیقت با تحمل عقوبت گناهکاران یعنی مرگ که عاقبت طبیعی گناه است (آیا شاخه ای که از تنه درخت بریده شده می تواند خشک نشود؟) آموزش را از پدر به دست می آورد: «ای پدر، اینها را بیامرز زیرا که نمی دانند چه می کنند» (لوقا: ۲۳: ۳۴). او با آمرزیدن، ما را شفا می بخشد زیرا ما را به خدا می پیوندد. مسیح چگونه امروزه عملاً بخشش خود را به ما می رساند؟



ج - راز توبه و آشتی

قبلاً خوانده ایم که خداوند ما عیسا مسیح توسط روح القدس که کلیسا را تبدیل به بدن او می نماید در دنیای امروز فعالیت می کند. دست بخشاینده و شفا دهنده ی خداوند ما عیسا از طریق کلیسا و به وسیله ی عمل روح القدس به ما می رسد. او در روز رستاخیز خود به رسولان چنین گفت: «روح القدس را بیا بید. گناهان آنانی را که آمرزیده اید برای ایشان آمرزیده شد» (یو ۲۰: ۲۲-۲۳).

ما باید آرزومند و طالب این بخشش باشیم. مَثَل پسر گمشده که در بالا نقل شد مراحل بازگشت از مرگ به زندگی را به خوبی نشان می دهد:

۱. پسر گمشده «به خود می آید» و شکست خود را تصدیق کرده راه مراجعت به خانه پدری را در پیش می گیرد. این بازگشت یا متانویا (Metanoia) است.

۲. او به گناه خود چنین اقرار می کند: «ای پدر علیه آسمان و به حضور تو گناه کرده ام». این اعتراف به گناه است.

۳. پدر که در انتظار او بوده به استقبالش می شتابد و قبل از به اتمام رسیدن جمله اش او را در آغوش می گیرد. این بخشش است.

۴. گوساله ی پرواری ذبح می شود. این ضیافت سپاسگزاری است.

امروز بر ماست که این مراحل را طی نماییم:

۱. بازگشت (متانویا)

«متانویا» بروز آگاهی و روشن بینی ناگهانی داوود است هنگامی که ناتان پس از نقل داستان فقیری که مردی ثروتمند بره اش را دزدیده بود، به او می گوید: «این تو هستی». متانویا لغت یونانی به معنای «تغییر روح» می باشد که عبارت است از رجعت درونی، بازگشت و وقوف به بیماری خود که با میل به شفا یافتن همراه می باشد. زیرا بدترین بیماری ها آنهایی هستند که انسان از آنها بی خبر است. متانویا نوعی بیداری است: «ای تو که خوابیده ای، بیدار شده از مردگان برخیز تا مسیح بر تو درخشد» (افس ۵: ۱۴).

گناه، حالت بی حسی قبل از مرگ است و توبه یعنی تشنه بودن برای زندگی، برای زندگی راستین، برای کمال زندگی که در خدا هست. توبه کردن، جواب انسان به کلام خود خداست، کلامی که توسط حزقیال نبی برای ما بازگو شده است: «من از مردن مرد شریر خوش نیستم بلکه خوش هستم که شریر از طریق خود بازگشت نموده زنده بماند» (حزق ۳۳: ۱۱).

جوان: چرا بیشتر می گویند راز اعتراف و نه راز توبه و آشتی؟

پیر: چون عادت کرده ایم که کار خدا در نظر نگرفته فقط اعمال خود را در نظر بگیریم، خصوصاً کار مشکلی هم چون اعتراف به گناهان.

۲. اعتراف

زمانی که انسان دست به شرارت بزند تمام بدن عیسا از آن متأثر می گردد چون «اگر یک عضو



دردمند گردد سایر اعضا با آن همدرد باشند» (۱- قرن ۱۲: ۲۶). وقتی که انسان مرتکب گناه شود، عواقب آن نه تنها به خود او بلکه به تمام کلیسا زیان می‌رساند. به همین دلیل یعقوب رسول چنین گفته است: «نزد یک دیگر به گناهان خود اعتراف کنید و برای یک دیگر دعا کنید تا شفا یابید» (یع: ۵: ۱۶).

سه نوع گناه وجود دارد که مخصوصاً انسان را نسبت به خدا بیگانه می‌سازد. هر ایماندارانی که حتی مرتکب یکی از این سه نوع گناه شود این نوع گناه سنگین مانع می‌شود که شخص نتواند در شام آخر، نان مقدس را بپذیرد: قبلاً باید گناهان خود را اعتراف کرده و کشیش بخشش خدا را به او بدهد. موقتاً از راز زندگی و دیگر این شخص به خدا وفادار نمی‌باشد کلیسا می‌راند.

- ارتداد: گناه نسبت به خدا

ارتداد (Apostasie) یعنی انکار مسیح و هنگامی اتفاق می‌افتد که انسان از روی پستی یا ترس، از اقرار به شاگرد بودن وی عار داشته باشد: «هر که مرا پیش مردم انکار نماید من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم نمود» (مت ۱۰: ۳۳). این خطا مربوط به کسانی می‌باشد که در زمان جفا می‌گویند که دیگر مسیحی نیستند و نیز اما عده‌ای آن قدر واهمه دارند که مبادا آنها را گرفتار سازند، زیرا کاملاً محرمانه مسیحی هستند و از رفتن به کلیسا امتناع کرده و در حضور جمع رفتارشان را با اطرافیان هم آهنگ می‌سازند در خفا نگاه داشتن ایمان مانع اظهار شهادت شده که این خود خطر بزرگی برای ایمان شخص می‌باشد. این واهمه باعث می‌گردد که اگر از شخص مستقیماً سؤال شود مسیح را انکار می‌نماید در میان توفان مسیح از شاگردان خود پرسید «از چه می‌ترسید ایمانتان کجاست» (مت ۸: ۲۶).

- قتل: گناه نسبت به هم‌نوع

این خطا نه تنها عمل کسی است که می‌کشد بلکه مربوط به آن کسی نیز هست که نفرت را پیشه خود می‌سازد زیرا «هر که از برادر خود نفرت نماید قاتل است» (۱- یو: ۳: ۱۵). نفرت یعنی قتل روح. کسی که از عفو و بخشش سر باز می‌زند و در کینه توزی خود غوطه‌ور می‌گردد مرتکب همین خطا گشته است. «اگر هر یکی از شما برادر خود را از دل نبخشد» پدر آسمانی نیز به همان گونه که پادشاه این مثل با بدھکار بی رحم رفتار کرده بود، با وی رفتار خواهد نمود. به همین دلیل پولس رسول می‌گوید: «خورشید بر غیظ (خشم) شما غروب نکند» (افس: ۴: ۲۶). باید از بدگویی و تهمت زدن دوری کرده چون یا این رفتار می‌توانیم شهرت هم‌نوعان را از بین برده همان طور که یعقوب رسول می‌گوید (یع: ۳: ۸-۹).

- بی‌عفتی: گناه نسبت به محبت و نسبت به خود

بی‌عفتی یعنی طالب بودن لذات شهوانی، بدون محبت و بدون از خودگذشتگی کامل نسبت به دیگری این گناه نسبت به جسم انجام می‌گیرد (و نه آن طوری که عده‌ای آن را به غلط گناه جسم می‌نامند). این

گناه را کسی انجام می دهد که «بر بدن خود گناه می ورزد» (۱- قرن ۶: ۱۸) و کسی که بر علیه محبت گناه ورزیده به نوعی محبت را آلوده می سازد، محبتی که پیوند با خداست زیرا خدا محبت است (۱- یو ۴: ۱۶). بنابراین کسی که محبت را ناپاک می شمارد وجود خدا را رد می کند، «زیرا خدا ما را به ناپاکی نخوانده است بلکه به قدوسیت، لهذا هر که قدوسیت محبت را حقیر شمارد انسان را حقیر نمی شمارد بلکه خدا را که روح القدس خود را به شما عطا کرده است» (۱- تس ۴: ۷-۸) ... «آیا نمی دانید که بدن های شما اعضای مسیح است پس آیا اعضای مسیح را برداشته اعضای فاحشه گردانم؟ حاشا! آیا نمی دانید که هر که با فاحشه پیوندد با وی یک تن باشد زیرا گفته شده است که هر دو یک تن خواهند بود... آیا نمی دانید که بدن شما هیكل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته اید و از آن خود نیستید زیرا که به قیمتی خریده شدید. پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید» (۱- قرن ۶: ۱۵-۱۹).

کسی که مرتکب این گناه می گردد و گناه مهم دیگری مثل بت پرست، پول، امیال مفرط نسبت به اشیا این دنیا یا قصور نسبت به محبت، کمک به همونوع مخصوصاً فقرا و گناهان دیگر گردد باید بعد از توبه بخواهد که در بدن مسیح دوباره پذیرفته شود. بنابراین، تن یعنی کلیسا بایستی بازگشت او را به آغوش خود تقبل نموده و مجمع بایستی او را ببخشد. بدین منظور، گناهکار باید در کلیسا حاضر شده در مقابل مجمع یعنی کلیسا به خطای خود اقرار نماید. به همین دلیل بود که در کلیسای اولیه، اعتراف به صورت عمومی انجام می گرفت. بنابراین، مجمع به سرپرست خود کلیسا، اسقف یا کشیش وکالت داد تا شخص توبه کار را پذیرفته و به اعتراف او گوش فرا دهد. اعتراف، بیانگر خلوص توبه بوده و مراجعت پسر گمشده به خانه ی پدر را در خاطر زنده می نماید. کشیشی که به اعتراف گوش می دهد نماینده ی کلیسا یعنی بدن رنجور مسیح و مجمع و سر آن یعنی مسیح بوده و بنابراین شاهد متواضعی بیش نیست.

۳- بخشش یا آمرزش

برای این که عضو سست ولی توبه کار دوباره به تمامیت کلیسا داخل گردد و با سایر اعضا و با خدا از در صلح درآید، مجمع باید بخشش کسی را بر او منتقل کند که «قدرت آمرزش گناهان را دارا می باشد»، یعنی سر بدن که همانا مسیح است، پس کشیش به نام مجمع و به نام مسیح دستش را بر سر توبه کار زانورده می گذارد این حرکت نمایانگر دست شفا بخش مسیح است و به او می گوید: «هر آن چه که به شخص حقیر من گفته ای... باشد که خداوند آن ها را در این دنیا و در آخرت به تو ببخشد». روح القدس بخشش و شفای مسیح را از طریق راز کلیسا و به وسیله ی بخشش مجمع و بخشش کشیش آن مجمع به فرد توبه کار منتقل می کند. اکنون او «سفیدتر از برف» است. قدیس اسحق سریانی، راهبی که در قرن هفتم زندگی می کرد گفته است: «گناه آدمی در مقایسه با رحمت الاهی چون یک مشت شن در دریای عظیم است». یک راهب بزرگ دیگر به نام سیلوئن که

معاصر ما بود و در سال ۱۹۳۸ فوت نمود گفته است: «هر کسی که آرامش درونی را از دست داده باید توبه کند و خداوند گناهان وی را خواهد آمرزید، آن گاه شادی و صلح دوباره در روحش مستقر خواهد شد» زیرا که انسان توبه کار با انسان ها و خدا آشتی کرده است. بخشش در حقیقت آشتی انسان با خداوند خود و برقراری مجدد آن رابطه ی طبیعی است که مخلوق را به حالق خویش وصل می کند: «خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد» (۲ قرن ۵: ۱۹)... «خدا محبت خود را در ما ثابت می کند از این که هنگامی که ما هنوز گناه کار بودیم مسیح در راه ما مرد. اگر در حالتی که دشمن بودیم به وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شدیم، پس چقدر بیشتر بعد از صلح یافتن به وساطت حیات او نجات خواهیم یافت» (روم ۵: ۸-۱۰). بخشش خدا به واسطه ی عیسی مسیح ما را حیات دوباره بخشیده و از مرگ رهایی می دهد. پس بیایید به پولس رسول گوش فرا دهیم که می گوید: «به خاطر مسیح استدعا می کنم با خدا مصالحه کنید» (۲ قرن ۵: ۲۰) تا بتوانیم به همراه او فریاد برآوریم: «در خدا هم فخر می کنیم به وسیله ی خداوند ما که به وساطت او الان سلح یافته ایم» (روم ۵: ۱۰). گناه کار آمرزش یافته از نو عضو خاص و کامل بدن مسیح می شود.

۴- سپاسگزاری و ضیافت

از این به بعد می تواند چون گذشته به رازهای مقدس نزدیک شده، در راز بدن و خون مسیح نجات دهنده پیوند یابد، از چشمه ی آب حیات بیاشامد و حیات جاودان را دریافت نماید. راز توبه، راز قربانی مقدس را بر او می گشاید و گناه کار رهایی یافته و بخشوده می شود. در نتیجه ی بخشش گناهانمان باید از صمیم قلب پدر آسمانی را سپاس گفته، چون صمیمیت و محبت خویش را در کلیسا به ما بازگرداند، هم چنان که با تعجب آن پسر گمشده توسط پدر پر از عشق و محبت به خانواده برگردانده شد.

د- اشکالات و انتقادات

جوان: تنها خدا می تواند ببخشد، پس چرا باید به کلیسا رجوع نموده و نزد کشیشی که مثل من گناهکار است اعتراف نمایم؟

پیر: البته درست می گوئید، اما در راز تعمید، از راه کلیساست که بخشش تمام گناهان قبلی را می یابی و هم چنین راز نجات در عیسای مسیح. هم چنین از راه خدمت کلیسا، بخشش خدا را بر گناهان روزمره به تو داده می شود. ولی در هر صورت همان طور که گفتید تنها خدا، پدر آسمانی، گناهانمان را می بخشد چون در واقع هر گناه شورشی بر ضد اراده ی او می باشد. اما



یادآوری می‌کنم چگونه عیسا به این تأکید فریسیان جواب داد: «برای این که بدانید پسرانسان بر روی زمین قدرت بخشایش گناهان را دارد به شخص مفلوح گفت برخیز!» (مت ۹:۶) از دیدگاه دیگر «پدر، پسر را محبت می‌کند و همه چیز به دست او سپرده» (یوح ۳:۳۵). او انسانیت ما را به عهده گرفت و از این راه این انسانیت، بخشش پدر به ما می‌رسد، بنابراین از راه تن خود که کلیسا نیز هست می‌رسد.

این جا همین طور که در هر راز هفت گانه ی کلیسا، پدر آسمانی، وسایل دیدنی انتخاب کرده و معمولاً از آن میانجی‌گری لمس کردنی استفاده کند تا فیض خود را به ما برساند اما این میانجی‌گری و وسایل دیدنی چیست:

ابتدا، عیسا ی مسیح پسر خدا که انسان شد و هم چنین تن او که کلیسا است که تأسیس کرده و کشیشانی که به آنان اقتدار داده که راز تعمید بدهند (مت ۲۸:۱۹) و هم چنین نان و شراب را تقدیس کنند و گناهان ما را ببخشایند: «گناهان آنانی را که بخشیدید، برای ایشان بخشیده خواهد شد» (یوح ۲۰:۲۳).

البته از راه کلیسا و کشیش، مسیح است که تعمید می‌دهد و تقدیس می‌کند و می‌بخشاید. حقیقتاً هر کشیشی گناهکار است و او نیز باید گناهان خود اعتراف کند، اما عیسا خواسته از راه خدمت انسان هایی که علی‌رغم گناهانشان انتخاب کرده، گناهانمان را ببخشاید. خودتان در نظر بگیرید که پطروس رسول که عیسا را سه بار انکار کرده، مسئول گروه رسولان شده و مانند همین طور کشیش باید کوشش کند که مقدس شود ولی گناهان او، اقتداری که عیسا در خدمت ایمانداران به او واگذار کرده است، از او سلب نمی‌کند.

جوان: من فکر می‌کنم که کافی است که گناهان خود را به خدا اعتراف کرده از او طلب بخشش کنم.



پیر: بسیار آسان تر خواهد بود! و تو دلایل متعددی داری که این طور رفتار کنی اما این دلایل را در کتاب مقدس نمی‌توان پیدا نمود. پس مثلاً آیا به خاطر عدم فروتنی و عدم پذیرش حقیقت نزد خودتان که این طور رد می‌کنید، در خودت در میان کلیسا به صورت آشکار پیدا می‌کنی؟ اگر به درستی گناهان خود را اعتراف کنیم فروتنی مسیح را یاد می‌گیریم و از این راه بر ضد آن گناه بزرگ یعنی تکبر مبارزه می‌کنیم. (مز ۱۹:۱۴).



علاوه بر این، سخن مسیح را یادآوری کنیم: «هر کس بدی می‌کند از نور متنفر است و به سوی نور نمی‌آید مبادا اعمالش افشا گردد. اما آن کس که راستی مرا برپا می‌سازد به سوی نور می‌آید...» (یوح ۳:۲۰-۲۱)

و در اولین نامه خود، یوحنا اصرار می‌ورزد: «اگر گوئیم که گناه خود را گمراه می‌کنیم و راستی در

ما نیست. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او امین و عادل است تا گناهان ما را بپامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد. اگر گوییم که گناه نکرده ایم او را دروغ گو می شماریم و کلام او در ما نیست» (۱- یو: ۸-۱۰).

جوان: ولی خدا قدرت دارد ما را ببخشد بدون این که از راز اعتراف استفاده کند.


پیر: البته خدا مجبور نیست از این رازهای هفت گانه که توسط مسیح به ما داده استفاده کند ولی روشن است که اگر مسیح این اقتدار را به رسولان داده، ما هستیم که به این راز اعتراف و آشتی احتیاج داریم. چون اگر بعد از راز تعمید باز گناهانی کرده ایم به راز آشتی نیاز داریم زیرا با گناهانمان فیض مسیح رستاخیز شده را زخمی یا از میان برده ایم. بنابراین، راز اعتراف و آشتی احیای راز تعمید با قدرت مسیح رستاخیز شده می باشد.


با رفتارمان و رد کردن آیین و نشانه های دیدنی نباید راز تن گیری پسر خدا را رد کنیم؛ فیض خدا از راه نشانه های دیدنی به ما می رسد. چون تو انسانی هستی، تو نیز برای شناختن فیضی که خدا به تو می بخشد به نشانه های دیدنی احتیاج داری، این دلیل تمام آیین های مختلف کلیسا می باشد. به این ترتیب در ارتباط با مصلوب شدن مسیح و خون او که جهت بخشایش گناهان ما ریخته شد و هم چنین در ارتباط با رستاخیز او که پیروزی بر تمام قدرت های شیطان است در روز پنج شنبه ی مقدس احتمالاً در یک آیین بسیار قدیمی کلیسا مشهور به آشتی توبه کاران شرکت کردید هم چنان که در قرون اولیه ی کلیسا، این طور به گناه کاران آشتی داده می شد. قبلاً در طول روزه بزرگ چهار روزه ایمانداران که خود را گناهکاران بزرگ می دانند و اعتراف نموده اند توسط اسقف به عقب ساختمان کلیسا جایی که معمولاً تعمید خواستگان نشسته، هدایت می شدند و با کمک کلیسا و پدر روحانی خویش در طول این چهار روز روزه گرفته و توبه می کردند و بالاخره روز پنج شنبه ی مقدس، اسقف به سوی آنان آمده و بخشایش گناهان نشان را توسط خون ریخته شده عیسای مسیح اعلام کرده آنها را به جای معمولی خودشان نزدیک قربانگاه بر می گرداند، و با سرود شادمانی تمام ایمانداران ایشان را در کلیسا باز می پذیرد و به سوی آرامش و محبت می دادند.

جوان: ولی در طول سال می توانیم هر گاه که لازم باشد گناهانمان را اعتراف کنیم که بعد از آن کشیش به نمایندگی از کلیسا و به نام مسیح دستش را بر سر توبه کار زانو زده می گذارد. این حرکت نمایانگر دست شفا بخش مسیح است و به او می گوید «با قدرتی که خدا به ما داد تمام گناهانتان را می بخشایم به نام پدر و پسر و روح القدس، همان طور که روزی به ما گفته «تو را تعمید می دهم به نام پدر و پسر و روح القدس». اگر بدانم که هر بار گناه کنم، به آسانی بخشیده می شوم، به راحتی به گناهانم ارائه می دهم، زیرا می دانم که خدا مرا تنبیه نخواهد کرد.

پیر: این سؤال شما بسیار به جا می باشد و می توان آن را از دو دیدگاه بررسی نمود: اول از

دیدگاه خدا، می دانیم که او گفته: خداوند یهوه می فرماید: «آیا من از مردن مرد شریر مسرور می باشم» (حزق ۱۸:۲۳) علاوه بر این، خیلی بیشتر از ما گناهکاران دلسوز و پراز محبت است و چقدر بیشتر از هفتاد مرتبه حاضر است گناهان ما را ببخشاید: «آن گاه پطرس نزد او آمده گفت: «خداوندا، چند مرتبه برادرم به من خطا ورزد می باید او را ببخشید؟ آیا تا هفت مرتبه؟ عیسا به او گفت تا هفتاد هفت مرتبه» (مت ۱۸: ۲۱-۲۲).

 جوان: اما از دیدگاه ما گناهکاران، با دقت باید مواظب باشیم که از این محبت خدا سوء استفاده نکرده ولی اگر بعد از اعتراف دوباره مرتکب گناه گردم این راز ریایی بی ارزش می باشد.

 پیر: البته وقتی اعتراف می کنم باید با جدیت هم از گناه توبه کرده و پشیمان شده و هم از خدا تقاضای بخشش نمایم، و نیز باید تصمیم قاطع گرفته که با جدیت بر ضد گناهانم مبارزه کنم و از اسلحه ای که مسیح به ما داده به خوبی استفاده کنم (افس ۶: ۱۰: ۱۸). یعنی دعا و روزه و تعمق بر انجیل و دوری نمودن از فرصت هایی که من را به سوی گناه می کشاند. البته گفتم کوشش کنم اما رسیدن فوری به هدف یعنی کاملاً پاک شدن از گناه برای منی که در راه هستم، امکان پذیر نمی باشد بنابراین باید در آینده مجدداً با فروتنی اعتراف کرده توبه نمایم. چون توسط این راز نه فقط گناهی که به آن اعتراف کرده ام بخشیده شده بلکه خدا در این راز به من قدرت می دهد که بتوانم بهتر مبارزه کنم.

ه- خلاصه ای از تعلیمات رسمی کلیسا

۲۰۰- چگونه گناهان بخشوده می شوند؟

« ۹۷۶-۹۸۰ اولین و مهم ترین راز جهت بخشش گناهان تعمید می باشد. جهت گناهی که بعد از ۹۸۴-۹۸۵ تعمید مرتکب شده ایم، مسیح راز آشتی یا توبه برقرار کرده که توسط آن، شخص تعمید یافته با خدا و کلیسا آشتی داده می شود.

۲۹۵- به چه دلیل مسیح رازهای توبه و مسح مریضان را برقرار کرده است؟

« ۱۴۲۰-۱۴۲۱ مسیح به عنوان طبیب جان و جسم، آن ها را برقرار کرده است به این دلیل که زندگی ۱۴۲۶ » نوین که از راه راز تعمید و تثبیت روح القدس به ما داده شده است، می توانند به خاطر گناه ضعیف یا حتی از میان برود. بنابراین، عیسی خواست که کلیسا از راه این دو راز شفا بخش، مأموریت او را شفا و نجات دادن را ادامه دهد.

راز توبه و آشتی

۲۹۶- چگونه این مورد، راز نامیده می شود؟

« ۱۴۲۰-۱۴۲۱ راز توبه، آشتی، بخشش، اعتراف را تغییر زندگی می نامند. »
« ۱۴۲۶ »

۲۹۷- به چه دلیل بعد از تعمید، راز آشتی وجود دارد؟

« ۱۴۲۰-۱۴۲۱ زندگی نوین فیض که از راه تعمید داده شده است، ضعف طبیعت بشر یا میل به
« ۱۴۲۶ » سوی گناه از میان نبرده است، بنابراین، عیسی این راز آشتی را جهت تغییر زندگی
که توسط گناه دور شده اند برقرار کرده است.

۲۹۸- چه زمانی این راز برقرار شده است؟

« ۱۴۸۵ » مسیح رستاخیز شده، این راز را برقرار کرده است، وقتی که شب عید رستاخیز به
رسولانش ظاهر شده و به آنان گفت: «روح القدس را بیابید، گناهان کسانی را که
ببخشید، بر ایشان بخشیده خواهد شد و بر کسانی که باقی بگذارید، باقی ماند» (یو. ۲۰: ۲۲-۲۳)

۲۹۹- آیا تعمید یافتگان به تغییر زندگی خود احتیاج دارند؟

« ۱۴۲۷-۱۴۲۹ » دعوت مسیح به سوی تغییر زندگی، دائماً در زندگی تعمید یافتگان ندا می کند.
تغییر زندگی، يك مبارزه ی دائمی کلیسا می باشد که مقدس است، ولی در نهان خود،
گناهکاران را در بر دارد.

۳۰۰- توبه ی درونی چیست؟

« ۱۴۳۰-۱۴۳۳ توبه ی درونی «کوشش قلب شکسته» (مز ۱۵۹: ۱) که فیض خدا آن را به جواب دادن
« ۱۴۹۰ » به محبت مهربانی خدا به حرکت در می آورد. توبه چندین نکات را در بردارد. رنج و
نفرت نسبت به گناهان مرتکب شده، تصمیم قاطع تا در آینده، دیگر این گناه را مرتکب نشود و اطمینان
به کمک خدا. علاوه بر این، امید به رحمت خدا را قوی می کند.

۳۰۱- با چه نوع اعمالی، توبه در زندگی مسیحی برپا می شود؟

توبه را با اعمال متنوعی می توان بر پا کرد، مخصوصاً از راه روزه، دعا و صدقه.
« ۱۴۳۴-۱۴۳۹ » این اعمال توبه و باز اعمالی دیگر می تواند توسط مسیحیان در زندگی روزمره شان به
عمل آورده می شود. مخصوصاً در زمان روز بزرگ و روز جمعه که روز توبه می باشد.

۳۰۲- عوامل اساسی راز آشتی کدام است؟

در عامل اساسی موجود است. از جمله اعمالی که توبه کار در نور روح القدس به انجام می‌رساند و بخشایش از راه کشیش که به اسم مسیح، آمرزش می‌دهد و چگونگی جبران گناه را مشخص می‌کند. «۱۴۴۰-۱۴۴۹»

۳۰۳- اعمال توبه کار کدام است؟

«۱۴۲۰-۱۴۲۱» ۴ عمل لازم است: ۱- آزمایش وجدان جدی. ۲- پشیمانی کامل، وقتی از راه محبت نسبت به خدا سرچشمه می‌گیرد یا ناکامل، زمانی که به دلایل دیگر برپا می‌شود و همراه با تصمیم قطعی که در دعا انجام می‌شود تا دیگر از گناه دوری کند. ۳- اعتراف گناهان به سمع کشیش. ۴- جبران

۳۰۴- کدام گناه را باید اعتراف کرد؟

باید همه ی گناهان بزرگ را که هنوز معترف نشده و شخص بعد از يك آزمایش وجدان «۱۴۵۶» جدی آن را به یاد آورد را اعتراف کرد، اعتراف به گناهان بزرگ تنها راه معمولی است تا بخشش آن را به دست بیاوریم.

۳۰۵- چه زمانی باید گناهان بزرگ را اعتراف کرد؟

هر ایمان داری که به سن بلوغ رسیده، ملزم است تا گناهان بزرگ خویش را اعتراف کند، «۱۴۵۸» حداقل يك بار در سال و در هر زمانی قبل از این که نان مقدس را بپذیرد.

۳۰۶- به چه دلیل گناهان کوچک را می‌توان در راز بخشش، اعتراف کرد؟

با علم به این که اعتراف به گناهان کوچک، به معنی دقیق، ضروری نمی‌باشد، از راه «۱۴۵۸» کلیسا به آن جداً تأکید شده است. زیرا آن به وجود آمدن يك وجدان راست و به مبارزه با انحراف بدی کمک می‌کند و هم چنین اجازه می‌دهد که عیسی به ما شفا داده، تا در زندگی روحانی پیشرفت کنیم.

۳۰۷- خادم این راز چه کسی است؟

«۱۴۶۱-۱۴۶۶» مسیح این خدمت آشتی را به رسولان و به اسقفان، یعنی جانشینان ایشان و به کشیشان «۱۴۹۵» یعنی هم کاران اسقفان واگذار کرده که این طور راه های رحمت و عدالت خدا می‌شوند. این ها قدرت بخشایش گناهان «به نام پدر، پسر و روح القدس» را اجرا می‌کنند.

۳۰۸- آموزش بعضی از گناهان به چه کسانی اختصاص دارد؟

«۱۴۶۳» آموزش بعضی از گناهان خیلی بزرگ (مثلاً آن هایی که باعث اخراج شدن کسی از مشارکت در کلیسا می شوند) به اسقف رم یا اسقف کلیسای محلی و کشیشانی که توسط آن ها، این قدرت را یافته اند، با علم به این که هر کشیش می تواند هر شخصی در خطر مرگ را از هر گونه گناه یا اخراج از مشارکت در کلیسا بیامزد.

۳۰۹- آیا شنونده ی اعتراف مجبور است سه معترف را نگه دارد؟

«۱۴۶۷» با در نظر گرفتن مهارت و بزرگی این خدمت و هم چنین اقدا لازم نسبت به اشخاص، هر شنونده ای اعتراف بدون هیچ استثنا و با در نظر گرفتن مجازات سخت، ملزم به نگهداری مهر این راز، یعنی سر مطلق در ارتباط با گناهانی که در اعتراف آن ها را شنیده است.

۳۱۰- نتایج این راز چیست؟

«۱۴۶۸-۱۴۷۰» نتایج این راز توبه متعدّدند:

«۱۴۶۹» - آشتی با خدا و بنابراین بخشش گناهان

- آشتی با کلیسا

- برگشت به حالت فیض و صمیمیت با خدا، اگر آن حالت از دست داده شده باشد.

- عفو مجازات ابدی به خاطر گناهان بزرگ و هم چنین تا اندازه ای عفو مجازات

زمانی که نتایج گناه می باشد.

- آرامش وجدان و تسلی روحانی

- افزایش قدرت های روحانی جهت مبارزه بر ضد وسوسه ها

۳۱۱- گاهی اوقات آیا این راز را می توان جهت اعتراف کلی و بخشش گروهی برپا کرد؟

«۱۴۸۰-۱۴۸۴» در اتفاقات و ضرورت های عمیق (مثل خطر مرگ غریب الوقوع) می توان آئین دسته جمعی آشتی همراه با اعتراف کلی و بخشش گروهی با در نظر گرفتن احترام به قوانین

کلیسا و با تصمیم شخصی که در وقت مناسب گناهان سنگین را اعتراف کند، امکان پذیر می باشد.

و- در نتیجه، چند نصیحت

الف- چگونه خود را آماده سازیم: آزمایش وجدان

چرا وجدان خود را آزمایش می کنیم؟

برای این که در روح ما نقص و عیبی پیدا نشود، کلیسا به ما نصیحت می کند که تقریباً هر ماه یک

آزمایش مفصل از وجدان خود و در آخر هر روز یک آزمایش مختصر از وجدان خود انجام دهیم. اگر

این کار را نکنیم موقع اعتراف قادر نخواهیم بود که به درستی وضع روح خود را برای کشیش روشن کنیم.

برای جلوگیری از گناه

ارزش آزمایش وجدان در این است که اگر این کار را مرتب انجام دهیم نقطه ضعف خود را پیدا می‌کنیم و می‌توانیم آن را از روح خود دور کنیم.

کوشش برای پاکی

ولی آزمایش وجدان فقط برای این نیست که گناه را از خود دور کنیم بلکه باید از آن برای پرورش پاکی روح خود استفاده کنیم. هدف فقط این نیست که خود را از گناه دور کنیم، بلکه به صفات خوبی که هر مسیحی باید داشته باشد عمل کنیم و همان طور که مسیح از ما انتظار دارد نمونه‌ی پاکی‌های او باشیم.

شجاع باشید

وقتی خوب وجدان خود را آزمایش کردید، خود را در اختیار مریم مقدس، پناه دهنده‌ی گناه کاران قرار دهید. هر چقدر که گناهانتان بد و خجالت‌آور باشد، آن‌ها را با فروتنی و پشیمانی اعتراف کنید. اگر در مورد چیزی شک داشتید از کشیش بپرسید. به اخطار او توجه کنید. خداوند گناهان شما را خواهد بخشید و به شما نعمت جنگیدن با وسوسه‌ی گناه را خواهد داد. او به شما قدرت کنترل احساسات و هر چه که برای دوری از گناه لازم باشد خواهد داد.

دعا برای آزمایش وجدان

ای خداوند عزیز که روزی درباره‌ی من قضاوت خواهی کرد، کمک کن تا برای اعتراف خوبی آماده شوم. می‌خواهم گناهانم را ببینم و بشناسم، همان طور که تو آن‌ها را می‌شناسی. به حافظه‌ام کمک کن تا اشتباه نکنم، تا همه چیز را اعتراف کنم. به چیزهایی که به وسیله‌ی آن تو را رنجاندم. سعی می‌کنم که به خاطر بیاورم که چند بار هر گناه را تکرار کرده‌ام. از همه بالاتر ای خدای عزیز برای این گناهان به من پشیمانی حقیقی بده، برای رسیدن به این، به کمک تو احتیاج دارم.

شادی بهشت را به خاطر من بیاور که اگر گناه کنم لیاقت از دست دادن آن را دارم و ترس دوری همیشگی از خود را در وجود من بیدار ساز.

می‌خواهم یاد بگیرم که از گناه متنفر باشم و از انجام آن خودداری کنم، زیرا تنها محبت تو جوابگوی انتظار من است. آمین.

به گناهان خود و به محبت خداوند اعتراف کنیم و به آن اقرار نمائیم:

ببندیشیم: عطایای روح القدس در زندگی من چگونه ثمر می‌دهد:

محبت.....در زندگی ام به سوی چه کسی فرستاده شده‌ام؟

همسایه‌ی من که باید او را محبت کنم کیست؟

آیا قادر هستم اطرافیان خود را محبت کنم؟
 هم چنین آن ها را که با من اختلاف دارند؟
 و آنان را که با من هم عقیده نیستند؟
 شادی..... در کدام حالت ها احساس شادمانی عمیق کرده ام؟
 آیا می کوشم تا به دیگران شادی دهم؟
 چه چیز باعث می شود که غمگین و افسرده شوم؟
 صلح و آشتی... در روابطم با دیگران، چگونه آشتی برقرار می کنم؟
 چه وقت در برابر صلح و آشتی مانع ایجاد می کنم؟
 صبر..... نسبت به چه کسی صبور هستم؟
 چه وقت خشمگین و عصبانی می شوم؟
 نیکویی..... آیا به ندای قلبم برای همدردی و یاری کردن به دیگران گوش دهم؟
 آیا همواره از خود می گویم و تنها به خود فکر می کنم؟
 مهربانی..... آیا از خوب گفتن درباره ی دیگران لذت می برم و آیا دیگران را به نیکی کردن تشویق می کنم؟
 یا این که خود را زرنگ می دانم، وقتی دیگران را مسخره می کنم یا در موردشان سخنان بد می گویم؟
 ایمان(وفاداری).. آیا در لحظات ناتوانی و تردید به عیسی مسیح ایمان و اعتماد داری؟
 آیا برای صحبت کردن با خداوند زمانی را در نظر می گیری؟
 آیا از او بخشش و رحمت می طلبی؟ آیا او را شکر می کنی؟
 مثلاً به او می گویی که «این شادی» و یا «این روز» را به تو تقدیم می کنم؟
 نرمی و ملامت.. آیا می کوشم که از کشمکش و نزاع دوری کنم و دیگران را تحریک ننمایم؟ یا این که فکر می کنم که قوی هستم، چون زرنگ تر هستم؟
 غلبه بر نفس.... آیا قادر هستی خود را به دست روح بسپاری تا قلبت را پاک سازد یا این که اسیر جسم هستی با همه ی خواهش ها و هوی و هوس های آن؟
 فروتنی..... «تکبر بزرگترین گناه می باشد» (مز ۱۹: ۱۴)
 آیا از بخشیدن کسی که مرا اذیت کرده خودداری کرده ام؟
 آیا از گفتن بعضی از گناهانم به این دلیل که به خود من مربوط هستند و نباید آن ها را اعتراف کنم، خودداری کرده ام؟
 آیا وقتی دیگران اشتباه مرا تصحیح می کنند، عصبانی می شوم؟
 آیا کسانی را که از من فقیرترند و یا سواد ندارند یا کم عرضه ترند، تحقیر می کنم؟

دعا:

خداوندا، من گناهان خود را بهتر می شناسم، آن ها پیش رویم هستند. گناه کرده ام، فاقد محبت هستم. می خواهم تو را به راستی محبت نمایم ولی موفق نمی شوم و تو ای خداوند، توبه من می گویی: تو را محبت می کنم، حتا اگر به اعماق تاریکی ها فرو روی، حتا اگر کلمات زنده بر زبان آوری، حتا اگر دست هایت را پس کشی، حتا اگر در شک و تردید به سربری، حتا اگر به من پشت کنی، تو را محبت می نمایم و تو را برای همیشه دوست می دارم، زیرا تو را از ازل محبت نمودم. اکنون من ... می دانم که تو می بخشایی. ای خداوند، تو شادی من هستی، آغوش گشاده ام برای پذیرا شدن آماده است، چشمانم سرشار از نوری است که تو را می نگرد، همه ی وجودم برای توبه وجد می آید.

ب- چگونه گناهان خود را اعتراف کنیم:

* حداقل یک بار در سال، اما بیشتر مفیدتر خواهد بود.
* حتی الامکان همیشه نزد کشیش های مشخص اعتراف کنیم که بتوانند بهتر ما را شناخته و بهتر ما را کمک رسانند.

* در شروع می توانیم بگوییم: «ای پدر، برای من گناه کار دعا کنید تا قدرت داشته باشم عمیقاً در حضور خدا، گناهان خود را اعتراف کنم. اشاره می کنم که چند وقت هست که اعتراف نکرده ام» و اینک آن گناهانی که به یاد داریم را اعتراف کنیم.
در پایان اعتراف اشاره کنیم که: «باز به خاطر گناهانی که فراموش کرده ام طلب بخشش می کنم و اگر مرا لایق توبه می دانید، از شما درخواست دارم عمل توبه و آشتی را انجام دهید».
و به راهنمایی کشیش و توبه ای که به ما می دهد گوش دهیم.

ج- سپاسگذاری

می توان از مزامیر ۶۵، ۱۰۰، ۱۰۳ یا از سرود حضرت مریم استفاده کرد.
«جان من کیریائی خداوند را می ستاید و روح من در خدا، نجات دهنده ی من شادی می کند، چون که بر فروتنی کنیز خود نظر افکنده، زیرا از این پس همه ی نسل ها مرا خوشبخت خواهند نامید:

زیرا آن قادر برای من چیزهای بزرگی به انجام رسانده و نامش قدوس است.
و رحمتش از نسلی به نسلی ترسندگان او را در بر می گیرد.
قدرت بازوی خود را گسترانده و کسانی با قلب متکبر را پراکنده ساخته است.
فرمانروایان را از تخت هایشان سرنگون و فروتنان را بلند کرده است.

گرسنگان را از نعمت سیر کرده و ثروتمندان را تهیدست باز فرستاده.
اسرائیل خدمتگذار خود را یاری داده، با یادآوری از رحمتش
آن چنان که به پدران ما گفته بود، به خاطر ابراهیم و تبار او تا به ابد.»

د- تصمیم قطعی در حضور خدا که بر ضد وسوسه ها محکم مبارزه کنیم و بدی های دیگران را
بیخشاییم:

بخشش واقعی: «ای پدر گناهان ما را ببخش، همان طور که دیگران را بخشیده ایم»
بخشیدن یعنی این که قادر باشیم کسانی که ما را می رنجانند، بپذیریم، همان گونه که خداوند ما
را با تقصیرهایمان می پذیرد.

بخشیدن، فراموش کردن یا نادیده گرفتن خطاهای گذشته نیست.

بخشیدن، گذشتن از تقصیر دیگران به دلایل قانع کننده نیست.

بخشیدن، پذیرفتن دیگری است همان گونه که هست و ایمان داشتن به

این که او قادر است زندگی روحانی تازه ای را از سر بگیرد.

و سرانجام بخشیدن، باز کردن راه های جدید آشتی از میان تضادها و ناسازگاری هاست.



۲- راز تدهین بیماران

انسان یک «گل» است چون او در عین حال هم روح و هم بدن است. گرگوار قدیس اهل
پالاماس (قرن چهاردهم) این موضوع را چنین تشریح می کند: «ما نام انسان را جداگانه به روح یا بدن
نمی نهیم بلکه مراد هر دوی آنهاست زیرا انسان کاملاً به شباهت خدا خلق شده است». همین طور
آیرنیوس قدیس می گوید که مسیح، نجات دهنده ی روح و تن است؛ چنان چه او بدن ما را نجات نمی
داد نمی توانست ما را نجات دهد زیرا تاکنون کسی انسانی را بدون بدن ندیده است!

بدین جهت است که مسیح بیماری های بدن را به همان اندازه شفا می داد که بیماری های روان
را. کتاب انجیل سرشار از شرح بیماران لاعلاج مانند افلیح، کور و کر، لال، جذامی، صرعی و جن زده
است که عیسا آنان را شفا داد و رسولان این عمل او را ادامه دادند بدین ترتیب که «بسیار دیوها را
بیرون کردند و مریضان کثیر را روغن مالیده شفا دادند» (مر ۶: ۱۳). خداوند این عمل شفا بخش را
امروزه هم در کلیسای خود توسط روح القدس در موقع راز تدهین بیماران انجام می دهد.

تدهین بیماران بدون استثناء در مورد تمام بیماری ها و صرف نظر از وخامت آنها همواره با امید
به شفا عمل می شود. پس این که عده ای این کار را «آخرین مسح» می نامند به معنای رازی که فقط
یک بار آن هم بدون امید به شفا و در آخرین لحظات زندگی انجام می گیرد درست نمی باشد.

نه، این امر چنین نیست زیرا مساله به روشنی از برقراری این راز به همان صورتی که در رساله ی

یعقوب قدیس (۵: ۱۳-۱۵) برای ما نقل شده ناشی می شود: «هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین نمایند. دعای ایمان مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزانید و اگر گناه کرده باشد از او آمرزیده خواهد شد». از این جمله ی رسول به خوبی دیده می شود که بین دردهای بدن و بیماری های روان مرض های مشخصی وجود ندارد. به علاوه علم طب از این امر به خوبی آگاه است. و به همین دلیل نیز در طول مراسم تدهین دعاهایی برای شفای جسم و آمرزش گناهان خوانده می شود. طلب شفا در چارچوب توبه و نجات انجام می پذیرد و نه به عنوان هدف نهایی زیرا زندگی راستین و جاودان با فوت انسان پایان نمی پذیرد. عاقبت بیماری هرچه باشد - انسان یا شفا می یابد یا در می گذرد - در هر صورت انسان احتیاج به توبه داشته و نیازمند عفو الهی است. این شفای راستین است. کلیسا با مسح مقدس و دعا قوی برای شخص بیمار با ذکر نامش (چون این راز مانند رازهای دیگر شخصی است) به انسان یادآوری می کند که او تنها نیست و کلیسا در کنار وی حضور دارد. «هرگاه یکی از اعضای آن دردمند گردد سایر اعضا با آن همدرد باشند» (۱- قرن ۱۲: ۲۶) و تمام مجمع از طریق دعای کشیش هایش برای او بخشش، یاری و رهایی درخواست می نمایند. رحمت الهی نقایص جسم و روح را شفا می بخشد.

بدین ترتیب مسح می تواند بیمار را به سلامتی بازگردانده یا حداقل نیروی مورد نیاز او را ازدیاد و امیدش را تجدید نماید. کلیسا برای جانشینی طب که تمام امکانات علم را در دسترس دارد وارد معرکه نمی شود بلکه برای وارد کردن مجدد انسان در محبت و زندگی خدایی که خود زندگانی واقعی است. در مسیح همه چیز مانند شادی و رنج، سلامتی و بیماری، زندگی و مرگ دارای مفهوم بوده و می تواند راهی به سوی زندگی باشد. انسان مانند پرنده ای که در هوا خیز بر می دارد یا ماهی ای که در آب جهش می کند دعوت شده و کمک لازم را دریافت می دارد تا با اعتماد کامل به سوی خدا روانه شده و سراییدن جلال وی را خواه در این دنیا - در صورت بازیافتن سلامتی - و خواه در زندگی آینده ادامه دهد. سراییدن جلال خداوند و گفتن: «بر من گناهکار رحم کن» با حالتی حاکی از اطاعت از اراده خداوند راز اعتماد و فروتنی مریضی است که همه چیز از رحمت الهی نیاز دارد.

مراسم تدهین ممکن است در کلیسا، مجمع ایمانداران، در صورتی که بیمار بتواند خود را به آنجا برساند و یا در منزل برگزار شود.

مراسم مسح بایستی توسط هفت کشیش برگزار شود. با وجود این سه یا دو و حتا یک کشیش هم می تواند آن را برگزار نماید. در آخر باید یادآوری کرد که:

۱- شخصی که مریض می باشد نباید تصور کند که باید منتظر مرض مرگ آور است تا از کلیسا این راز را بخواهد در امراض جدی فقط کافی است که رحمت خدا را طلب کنیم.

۲- خانواده و دوستان شخص مریض نباید منتظر آخرین لحظه‌ی زندگی او باشند تا کشیش را دعوت نمایند، زیرا در برابر مریض مدهوش کشیش نمی‌تواند به او کمک نماید و تأکید می‌نماییم که این راز برای مرض یا احتضار نمی‌باشد.

۳- طبیعتاً بعد از بخشایش گناهان شخص مریض و تدهین کردن او، کشیش نان تقدیس شده را به او می‌دهد چون «کسی که تن مرا بخورد و خون مرا بنوشد زندگی ابدی خواهد داشت» (یو:۶:۵۴). البته اگر ناراحتی مریض به درازا کشیده شود، خانواده‌ی مریض باید از کشیش خواسته، برگشته مجدداً نان مقدس را به او بدهد. به خاطر همین مساله کلیسا بعد از آیین شام خداوند تکه‌هایی از نان تقدیس شده را نگهداری می‌نماید تا بتواند آن را به اشخاص مریض بدهند.

درباره‌ی بیماری‌های اعضای بدن مسیح و شفای آن‌ها بیشتر تعمق کنیم

۱- اعتراف کنندگان باید دارای چه نوع آمادگی روحانی باشند؟

۲- برای این که این بخشش با میوه‌ی خوب و نتیجه‌ی لازم پذیرفته شود آیا باید توبه‌کننده بعد از بخشش دیگر مرتکب گناه نشود؟

۳- راز مسح بیماران

۳۱۳- در عهد قدیم، چگونه به امراض نگریسته می‌شد؟

در عهد قدیم، انسان در زمان‌های مریضی، تجربه‌ی محدودیت خود را لمس می‌کرد و «۱۴۹۰-۱۵۰۲» در همان حال درک می‌نمود که امراض کم و بیش با گناه مرتبط است. پیامبران درک کردند که بیماری‌ها می‌توان، ارزش نجات نیز جهت گناهان خود شخص یا گناهان دیگران داشته باشد. بدین صورت شخص بیمار در برابر خدا تحمل می‌کرد و از او شفای خود را می‌طلبید.

۳۱۴- هم دردی عیسی نسبت به بیماران چه معنایی دارد؟

«۱۵۰۳-۱۵۰۵» هم دردی عیسی نسبت به بیماران و شفای متعددی که به آن‌ها می‌داد، نشانه‌ای آشکار بود که نشان می‌داد ملکوت با او فرا رسیده است. بنابراین زمان پیروزی بر گناه و رنج و مرگ رسیده است. او از راه رنج و مرگ خود، به رنج معنی‌نویسی می‌دهد، رنجی که اگر متحد شده با رنج عیسی، می‌توان راهی برای پاک شدن و نجات یافتن خود شخص یا دیگران باشد.

۳۱۵- کلیسا نسبت به بیماران چگونه رفتار می‌کند؟

«۱۵۰۶-۱۵۱۳» کلیسا که از طرف خداوند، فرمان شفا دادن به مریضان را دریافت نموده، کوشش می‌کند که از راه پرستاری به بیماران و هم چنین با دعای استغاثه برای اینان این فرمان را برپا کند. علاوه بر این، یک راز مخصوص برای خدمت به مریضان در اختیار دارد که خود عیسی آن را برپا کرده و یعقوب رسول به آن اشاره می‌کند «هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند» (بع:۱۴).

۳۱۶- چه کسی می تواند راز تدهین بیماران را دریافت کند؟

«۱۵۱۴-۱۵۱۵ هر ایمان دار، وقتی در شرف خطر مرگ به عوامل مختلف مانند کهنسالی یا بیماری ۱۵۲۸-۱۵۲۹» قرار می گیرد، می تواند این مسح را دریافت کند. همان ایمان دار می تواند چند بار آن را دریافت کند. اگر بیماری او خطرناک تر شده باشد و یا دچار يك بیماری سخت دیگر شده باشد اگر امکان پذیر باشد، قبل از برپا کردن این راز، اعتراف به گناهان شخص بیمار لازم است.

۳۱۷- چه کسی این راز را می تواند برپا کند؟

«۱۵۱۶-۱۵۲۰» این راز فقط توسط اسقف یا کشیش می تواند داده شود.

۳۱۸- چگونه این راز باید اجرا شود؟

«۱۵۱۷-۱۵۱۹ اصولاً آیین این راز شامل مسح کردن با روغنی جتی الامکان برکت یافته از اسقف می شود، مسحی که بر روی پیشانی، سینه و دست و پای شخص مریض یا در آئین لاتین فقط بر روی پیشانی و دست مریض کرده می شود. البته این مسیح همراه با دعای کشیش که فیض خاص این راز را از خدا می طلبد.

۳۱۹- تأثیرات این راز چیست؟

«۱۵۲۰-۱۵۲۳ این راز، فیض خاصی را می بخشد که شخص بیمار را عمیق تر با صلیب مسیح متحد می کند که این امر به جهت خیریت او و خیریت تمام کلیساست. این عمل به بیمار، تقویت، آرامش، شجاعت و اگر بیمار نتواند اعتراف کند، بخشایش گناهان را می دهد. علاوه بر این راز در بعضی موارد، اگر خدا بخواهد شفای تن را به شخص می دهد. در هر صورت این راز، مریض را به گذر به سوی ملکوت پدر آماده می سازد.

۳۲۰- توشه ی راه به سوی ملکوت چیست؟

«۱۵۲۴-۱۵۲۵» توشه ی راه به سوی ملکوت، همان نان مقدس می باشد که ایمان دارانی که در شرف ترك کردن زندگی دنیوی و آمادگی گذر به سوی زندگی ابدی هستند دریافت می کنند. مشارکت در تن و خون مسیح قربانی و رستاخیز کرده، هر وقت ایمان داران از این دنیا به سوی پدر گذر می کنند، بذر زندگی ابدی و قدرت رستاخیز را می دهد.